

امام حسین(ع) در نگاه اندیشمندان غربی

خاورشناسان بزرگ غربی، هر يك با نگاهی که به تاریخ اسلامي داشته‌اند...



جام جم آنلاین: خاورشناسان بزرگ غربی، هر يك با نگاهی که به تاریخ اسلامي داشته‌اند، توقيفي در برابر حادثه عاشورا کرده‌اند. برخي که دل به دست حقيقت داده‌اند، چنان عاشقانه نگاشته‌اند که گويي خود را در صف ياران حسين(ع) مي‌بينند، برخي ديگر فقط نظاره‌گرند و راوي... نوادري هم روايت مي‌کنند، اما روايتشان صادق نيست. با اين حال تحقيق در اين حيطه مي‌تواند ما را به متون بسياري راهنمايي کند و انواع برداشت‌هاي محققان بيروني را از اين قضيه برايما تبیین کند.

نه‌تنها در گذشته دور بلکه امروزه هم تحقيقات قابل توجهي درباره امام حسين(ع) و سنت عاشورايي در سراسر جهان شکل مي‌گيرد و بر ماست که شکل اين تحقيقات و نوشتارها را از حالت آن خاورشناسي‌هاي غريبانه به حقيقت‌شناسي‌هاي مشتاقانه بدل کنيم. در زير چند نمونه از اين دست را مي‌خوانيد:

ويليام چيتيك (استاد ادیان دانشگاه استوني بروک آمريکا):

اگر حسين(ع) نمونه‌اي است شايسته تقليد، نه به اين جهت است که به دست تبهکاران بدگهر کشته شد، اين از بديهيات است. آنچه براستي درباره زندگي او شايسته ذکر است پيروي اوست در جهاد اکبر. فقط به برکت عظمت معنوي اوست که وقايع منجر به شهادت جسماني‌اش معني مي‌يابد. پس تقليد از آن حضرت يعني تکليف بر پيروانش که به جهاد اکبر برخيزند. از اين جهت است که مولوي، امام حسين(ع) را پيروز ميدان مبارزه با نفس مي‌داند و از پيروان او مي‌خواهد تا ايشان نيز در ميدان مبارزه با نفس پيروز شوند. چه پيروي در اين ميدان، مهم‌تر از پيروي در ساير ميادين است. چنين فردي شايستگي آن را دارد که پيش معشوق رود و با او يکي شود:

مشين اينجا تو با اندیشه خویش

اگر مردی برو آنجا که یار است

... شنیدی طبل، برکش زود شمشیر

که جان تو غلاف ذوالفقار است

بزن شمشیر و ملک عشق بستان

که ملک عشق ملک پایدار است

از نظر مولوي، حسين(ع) کسي است که بر اثر مجاهدت با نفس و شفقت بر خلق توانست وارد ميدان بعدي شود و عشق الهي را در وجود شعله‌ور سازد:

حسين کربلايي آب بگذار

که آب امروز تيغ آبدار است

اما براي ستاندن ملک عشق، انسان بايد نخست درد رنج عشق و عاشقي و رنج معشوق را بر دل کشد. زيرا هر چه به معنای هدف خودش وقوف پيدا کند به شدت ناتواني خود بيشتري پي مي‌برد بلکه هر اندازه نسبت به عظمت معشوق آگاهي بيشتري بپايد درد و رنج بيشتري را احساس مي‌کند:

هر که او بيدارتر پردردتر

هر که او آگاه تر رخ زردتر

با این وصف دردی که عاشق می‌کشد همیشه او را به سوی معشوق می‌کشد و سرانجام درد و رنج عشق به مرگ نفس و تولد در حق منتهی می‌شود. در واقع عاشق در این حالت نفس یزید خودش را به پای حقیقت حسینی‌اش قربانی می‌کند:

... ای غم بکش مرا که حسینم، تویی یزید

این نکته روشن می‌کند که حسین(ع) به قدری برای مولوی مهم است که او را نماد عشق‌ورزی می‌داند و راه سلوک را جز از طریق طی کردن مسیر عشق که مسیر حسین(ع) است، میسر نمی‌داند:

مرتضای عشق! شمس‌الدین تبریزی ببین

چون حسینم خون خود در زهر کش همچون حسن

اگر حسین(ع) عاشق خداست، خدا نیز عاشق حسین است. از این نظر حسین عاشق می‌خواهد در راه و به اراده خدای معشوق خودش ریخته شود تا نزد معشوق پذیرفته‌تر حاضر شود:

هر که آتش من دارد، او خرقة ز من دارد

زخمی چو حسین‌اش یا جامی چو حسن

مولوی نفس رحمانی را به حسین(ع) تشبیه می‌کند که باید از فرات معنویت تا می‌تواند سیراب شود و لحظه‌ای را از دست ندهد. از این جهت سالکان طریقت باید در طریق خویش حسین‌وار عمل کنند و همانند او به شهادت برسند:

حشرگاه هر حسینی گر کنون

کربلایی کربلایی کربلا

مشک را بر بند ای جان گر چه تو

خوش سقایی خوش سقایی خوش سقا

(مقاله با عنوان امام حسین در نگاه مولوی، ترجمه حسن لاهوتی)

رونالد نیکلسون (استاد زبان عربی دانشگاه کمبریج در نیمه اول قرن بیستم):

... حسین به زمین می‌افتد، گلویش با خنجر شکافته می‌شود، تمام یاران شجاعش نیز تا آخرین نفر به شهادت می‌رسند، سنت محمدی که با استثنای نادری، خصم خاندان امیه است، حسین را شهید و یزید را قاتل او می‌داند. (تاریخ اعراب، کمبریج 1930)

ایگنار گلدزیهر (شرق شناس مشهور مجارستانی اوایل قرن بیستم):

روز سیاه کربلا، تاریخ این خانواده همواره مملو از رنج‌ها و مظلومیت‌ها بوده است. آن احوال در نظم و نثری غنی به شکل شهادتنامه روایت شده است و در سنت شیعی 10 روز نخست محرم در سوگواره کربلا می‌گذرد. میدان آن مصیبت تاریخی، امروزه به شکل تعزیه بازسازی می‌شود. گریه بر شهیدان و لعن بر ظالمان فضا را در خود می‌برد. (مقدمه بر فقه و کلام اسلامی، پرینستون 1981)